

در حرم مطهری رضوی در جمع مسئولان بسیج دانشگاهها

پناهیان: به دلیل رشد ولایت‌مداری، سرعت زمانه ما در روشن شدن حق بسیار زیاد است/ به کسانی که می‌گفتند: «ما اسلحه نداریم که جنگ را ادامه دهیم!» باید مقاومت غزه را نشان داد/ استمرار و توسعه ولایت‌مداری در تعامل سازنده مؤمنین با یکدیگر است/ چرا بعضی حزب‌اللهی‌ها زیاد رفیق ندارند و هم‌افزایی نمی‌کنند؟/ فروتنی نسبت به مؤمنین، ویژگی مهم قوم مقدمه‌ساز ظهور است

پناهیان: تفاوت بسیار مهم فضای کنونی نسبت به گذشته تاریخ اسلام، رشد ولایت‌مداری در میان مومنان است. در صدر اسلام، ولی خدا بوده است ولی ولایت‌مدارانی که پای امر او بایستند نبوده‌اند. ولایت‌مداری در زمان ما تازه یک‌مقداری رخ نشان داده است؛ همین مقداری که الان می‌بینید و البته هنوز کامل نیست. حالا ببیند اگر این ولایت‌مداری کامل شود چه خواهد شد! توسعه ولایت‌مداری در چیست؟ مسأله ولایت‌مداری فقط در ارادت نسبت به مقام معظم رهبری خلاصه نمی‌شود. هر یک از شما باید ببیند که نسبت به مؤمنین ضعیفی که رفیق شما هستند یا در اطراف شما هستند، چگونه برخورد می‌کند؟ این استمرار ولایت‌مداری است. ارتباط خوب مومنین با یکدیگر حتی با ضعفای از مؤمنین دلیل صداقت انسان در ولایت‌مداری است. این تعامل و رابطه خوب در بین ولایت‌مداران، نور و معنویت فوق‌العاده‌ای ایجاد می‌کند و تشعشعات این نور و معنویت، همه عالم را تحت تأثیر قرار خواهد داد.

حجت الاسلام علی‌رضا پناهیان در نخستین دوره کشوری همایش «خط امام» ویژه مسئولان بسیج دانشجویی دانشگاه‌های سراسر کشور که در صحن دارالهدایه حرم مطهر رضوی برگزار شد سخنرانی کرد. در ادامه گزارش مشروح این سخنرانی را می‌خوانید:

پس از انقلاب اسلامی به وضوح می‌بینیم که تغییری در روند حرکت تاریخ به وجود آمده است/ این تغییر را باید عمیقاً درک کنیم

- اگر کسی ایمان و اعتقاد مستحکمی نداشته باشد، وقتی تاریخ اسلام را مطالعه کند و غربت اولیاء خدا و مظلومیت‌ها و محرومیت‌های مؤمنین را ببیند، تقریباً از نصرت و پیروزی اسلام ناامید می‌شود و به پیروزی جبهه حق صرفاً به عنوان یک آرمان نگاه خواهد کرد. منتها پس از انقلاب اسلامی، به وضوح می‌بینیم که تغییری در روند حرکت تاریخ به وجود آمده است، تغییری که روز به روز بیشتر می‌شود. این تغییر را باید عمیقاً درک کنیم و الا از زمان عقب خواهیم بود.
- خصوصاً در این دهه اخیر، نسبت به دو دهه اول انقلاب، تفاوت‌های فاحشی به وجود آمده است. و این تفاوت‌ها عمدتاً در این است که دیگر غربت‌ها و مظلومیت‌های مؤمنین زیاد طول نمی‌کشد، حق زیاد پشت پرده نمی‌ماند و چهره نفاق به سهولت و سرعت برملا می‌شود و حقانیت سخنان حق به آسانی به اثبات می‌رسد. حقایقی که یک‌زمانی حتی تصور نمی‌شد قابل «درک» باشند، چه رسد به اینکه قابل «اثبات» باشند، در اوج وضوح و روشنایی قرار می‌گیرند و به سهولت به اثبات می‌رسند. شما با یک مقایسه ساده تاریخی به این نتیجه خواهید رسید.
- یک نمونه از این تفاوت را با این مقایسه ساده می‌توان فهمید: ما در جنگ و دفاع مقدس، از میان ارزشمندترین انسان‌های این مملکت، حدود ۲۵۰ هزار کشته دادیم ولی در کل جهان، شاید یک تظاهرات هم به نفع ما برگزار نشد. اما الان برای حدود دو هزار

شهید در غزه، تقریباً در تمام نقاط جهان تظاهرات برگزار می‌شود. ببینید اوضاع چقدر نسبت به آن موقع، متفاوت شده است! البته مظلومیت مردم غزه از جهاتی بیشتر است ولی اصل مظلومیت همان است و چه بسا از جهاتی ما مظلوم‌تر بودیم.

امروز حقانیت سخنان حق در زمان کوتاهتری به اثبات می‌رسد و نفاق زیاد پشت پرده باقی نمی‌ماند

- امروز می‌بینیم که حقانیت سخنان حق در زمان کوتاهتری به اثبات می‌رسد و نفاق زیاد پشت پرده باقی نمی‌ماند. یکی از شخصیت‌های با سابقه انقلابی که بعد از امام(ره) حاضر نشد از ولایت فقیه تبعیت کند، در جریان دادگاهی که در ارتباط با روزنامه او تشکیل شده بود، رسماً گفت: فلسطینی‌ها خودشان می‌خواهند با اسرائیلی‌ها صلح کنند ولی ما در این میان کاسه داغ‌تر از آش شده‌ایم و می‌گوییم اسرائیل باید از بین برود؟! آن موقع این صحبت خیلی خطرناک به نظر می‌رسید، ولی پس از مدت کوتاهی ماجرای انتفاضه فلسطین و کشتار مردم مظلوم فلسطین شروع شد و در نتیجه زمینه ترویج چنین سخنان فریبنده‌ای به طور کلی از بین رفت.
- کمی قبل از آن هم یک جریان سیاسی در کشور لزوم ارتباط با صدام را مطرح کرده و گفتند: امروز که صدام در مقابل آمریکا ایستاده است مثل خالد بن ولید است و ما باید علیه آمریکا با صدام همدست شویم! این جریان سیاسی در روزنامه‌های خودشان در تقابل با مقام معظم رهبری که موافق همدستی با صدام نبودند، می‌گفتند: امام(ره) از دنیا رفت و مبارزه با آمریکا هم از بین رفت! اما چیزی نگذشت که در جریان قتل عام قیام مردم عراق (معروف به انتفاضه شعبانیه) توسط صدام، وابستگی تام و تمام صدام به آمریکا مشخص شد. و لذا این گروه هم دیگر از شرم نمی‌توانستند سر بلند کند و سخن خود را تکرار کند.
- چندی پیش برخی جریان‌های سیاسی که راه حل مشکلات را نزدیک شدن به غرب و به طور مشخص آمریکا می‌دانستند، با فاصله چند ماه، الان با دیدن چنین فجایع بزرگی که در غزه در حال رخ دادن است و حمایت‌های صریح غرب و آمریکا از اسرائیل، دیگر روی آن را ندارند که حرف‌های خود را تکرار کنند و کسی جرأت نمی‌کند تمایل خود به سازش با غرب و آمریکا را همچون گذشته اظهار نماید.

سرعت زمانه ما در روشن شدن و اثبات حق، بسیار زیاد است / به کسانی که می‌گفتند: «ما اسلحه نداریم که جنگ را ادامه دهیم!» باید مقاومت غزه را نشان داد

- شرایط به گونه‌ای شده که خداوند در مدت زمان کوتاهی حقانیت حق را روشن می‌کند. گویا در شرایط کنونی خداوند دیگر ضرورتی برای صبرهای طولانی نمی‌بیند. و ما در پی هر غربتی منتظریم به سرعت حق آشکار شود و غربت حق برطرف گردد. ما واقعاً داریم در جهان متفاوتی زندگی می‌کنیم.
- امروز با واقعیت‌های مختلفی که در کمال عظمت دارند خود را به ما نشان می‌دهند حقانیت اموری که در سال‌های قبل پنهان بوده نیز روشن می‌شود. مثلاً امروز به آن کسانی که می‌گفتند: «ما اسلحه نداریم که جنگ را ادامه دهیم!» می‌توان مقاومت غزه را نشان داد تا مسأله کاملاً روشن شود. نیاز به توضیح و تفسیر هم نیست. کافی است جنگ ۳۳ روزه حزب الله لبنان را نشان دهیم. اگرچه این همه مقاومت‌ها نتیجه درس‌هایی است که مسلمانان از مقاومت ایران اسلامی در برابر زورگویان گرفته‌اند.

در مقام کار فرهنگی از سرعت زمانه عقب هستیم / اگر ندانیم الان آخرالزمان هست یا نه ولی می‌بینیم که فتنه‌ها موجب رسوایی نفاق می‌شود

- سرعت زمانه ما در روشن شدن و اثبات حق، بسیار زیاد است ولی ما در مقام کار فرهنگی از سرعت زمانه به شدت عقب هستیم و به آن نمی‌رسیم. نمی‌توانیم تحولات سریع زمانه خود را تحلیل کنیم یا از روند چیرگی حق بر باطل تقدیر کنیم. یعنی باز هم بسیاری از اتفاقات از کنار ما عبور می‌کنند و نمی‌توانیم حتی یک جمله درباره آن بگوییم.
- همین سال گذشته، آمار برخی از فعالیت‌های تکفیری‌ها (در انحراف و جذب کردن افراد به سمت خودشان) خیلی‌ها را نگران کرده بود و می‌گفتند: وقتی یک جریانی بتواند هزاران عامل انتحاری درست کند که خیلی راحت حاضرند دیگر مسلمان‌ها را بکشند، این خیلی خطرناک است. خیلی‌ها واقعاً نگران این بودند که تکفیری‌ها چقدر می‌توانند گمراهی ایجاد کنند. اما در همین ماجرای اخیر غزه، موضع‌گیری تکفیری‌ها در قبال مسأله فلسطین باعث شد که امکان فریب آنها به شدت کاهش پیدا کند و قافیه را بیازند و آبروی خود را به کلی از دست بدهند. هرچند قبل از این هم با احکام مسخره‌ای مثل جهاد نکاح، و اخیراً با حرام خواندن نماز عید فطر، به کلی آبروی خودشان را برده‌اند. این‌ها لااقل برای فریب دادن مردم هم نمی‌توانند آبروی خودشان را حفظ کنند.
- سرعت تحولات زمانه، بسیار بالا رفته و همه جریانه‌های باطل خیلی زود آبروی خود را از دست می‌دهند. در این‌جا انسان به یاد این حدیث شریف پیامبر(ص) می‌افتد که فرمود: «در آخرالزمان از فتنه کراهت نداشته باشید که منافقین را نابود و رسوا می‌کند؛ لا تَكْرَهُوا الْفِتْنَةَ فِي آخِرِ الزَّمَانِ فَإِنَّهَا تُبِيرُ الْمُنَافِقِينَ» (کنز العمال/۳۱۱۷۰) هر فتنه‌ای در صدر اسلام یا بعد از آن رخ می‌داد، چه بسا تا قرن‌ها باعث غربت اسلام و مؤمنین می‌شد ولی در آخرالزمان هر فتنه‌ای ایجاد می‌شود به سرعت موجب از بین رفتن نفاق می‌شود. اگر ما ندانیم الان آخرالزمان هست یا نه ولی می‌بینیم که فتنه‌ها موجب رسوایی نفاق می‌شود.
- مقام معظم رهبری در سخنان خودشان مهمترین گراها و سرنخ‌ها را به ما داده‌اند. ولی گویی ما با این همه امکانات و مهمات در جبهه فرهنگی، نیروی کافی نداریم که دشمن را بزنیم! یکی از این سرنخ‌ها و آدرس‌ها همین بود که اخیراً مقام معظم رهبری در صحبت با دانشجویان فرمودند: «ببینید! دشمن ما این است؛ ببینید چطور دارند از جنایت‌کارهای عالم حمایت می‌کنند... ما باید تکلیف خود را با این دشمن روشن کنیم.» (امروز دنیای استکبار و در رأس آنها آمریکا از این فاجعه‌آفرینی، از این جنایت، از این خشونت غیر قابل توصیف حمایت می‌کنند، دفاع می‌کنند... امروز منطق لیبرال‌دموکراسی - این منطق و نظام فکری که امروز کشورهای غربی بر اساس آن دارند هدایت و اداره می‌شوند - از کمترین ارزش اخلاقی برخوردار نیست. هیچ ارزش اخلاقی در آن وجود ندارد، احساس انسانیت در آن وجود ندارد؛ در واقع دارند خودشان را رسوا می‌کنند، دارند خودشان را در مقابل نگاه قضاوتگر امروز ملت‌های دنیا و فردای تاریخ، رسوا می‌کنند. ما این را به‌عنوان یک تجربه مهم باید برای خودمان حفظ کنیم و آمریکا را بشناسیم. آمریکا این است، نظام لیبرال‌دموکراسی این است. این در عمل ما، در قضاوت ما، در برخورد ما، اثر خواهد گذاشت و باید اثر بگذارد... در تحلیل‌هایمان، در قضاوت‌هایمان، در عملکردمان بفهمیم با چه کسی طرفیم و اینهایی که در مقابل ما قرار می‌گیرند چه کسانی هستند؛ ته فکرشان چیست؛ ما باید تکلیف خودمان را مشخص بکنیم...؛ بیانات (۹۳/۵/۱)
- این گِرا و آدرسی که مقام معظم رهبری به ما می‌دهند آن قدر باید برای ما مهم باشد که بتوانیم بسیاری از مشکلات فکری فرهنگی و سیاسی جهان اسلام و جامعه خودمان را با آن حل کنیم؛ و از این نقطه به دشمن ضربه بزنیم. چون در این صورت دیگر هیچ نوعی از گرایش به غرب، نمی‌تواند سر بلند کند و در کل جهان هم هیچ کسی روی سخنان آمریکا حساب نخواهد کرد.

فتنه‌های امروز، نفاق در فضای کفر و نفاق در جهان اسلام و نفاق در جامعه ما را نابود می‌کند

- امروز داریم می‌بینیم که فتنه‌ها دارد منافقین را نابود می‌کند؛ هم نفاق در فضای کفر و هم نفاق در فضای اسلام را نابود می‌کند. یعنی هم نفاق امریکایی‌ها تحت عنوان دموکراسی و حقوق بشر را نابود می‌کند و هم انواع نفاق در جهان اسلام را، و هم نفاق در جامعه ما را. امروزه حتی برخی از فتنه‌ها قبل از شروع شدن و شکل گرفتن، از بین می‌روند. و اگر هم هر فتنه‌ای آغاز شود، زمان زیادی طول نمی‌کشد که از بین می‌رود. به عنوان نمونه آیا با این رسوایی آمریکا در زمینه حقوق بشر در حمایت از کشتار غزه، در جهان کسی هست که سخنان آمریکا علیه حقوق بشر در ایران را بپذیرد؟!
- این سرعتی است که خداوند به تاریخ داده است. با این حساب، دیگر جای نگرانی و حزن و اندوه برای طولانی شدن دوران آشکار شدن حق وجود ندارد. مقام معظم رهبری در سالهای اخیر بارها در سخنان خودشان به وعده نصرت الهی اشاره و تصریح کرده‌اند و به این آیه قرآن اشاره فرموده‌اند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنصُرُوا اللَّهَ يَنصُرْكُمْ وَ يُوَيِّتْ أَقْدَامَكُمْ» (محمد/۷)

الان افکار عمومی مردم منطقه و دنیا آماده شنیدن حق است؛ از این فرصت استفاده کنید

- یک نمونه دیگر نیز همین محکوم کردن جنایات غزه توسط شاه عربستان سعودی است، البته با تأخیر بسیار زیاد! (فارس- ۱۳۹۳۰۵۱۰۰۰۴۵۰ و انتخاب- ۱۷۴۵۹۹) این مسأله هم خبر از رسوایی و نابودی اینها دارد؛ اینهایی که مفتی‌های‌شان همین چند روز قبل می‌گفتند اولویت ما اسرائیل نیست و تظاهرات علیه اسرائیل حرام است، حالا به فاصله چند روز به قدری مفتضح شده‌اند که مجبور شده‌اند برای جلوگیری از بی‌ابرویی بیشتر چنین بیانیهای بدهند. اینها دارند به زباله‌دانی تاریخ می‌پیوندند.
- متأسفانه ما از این فضا عقب هستیم و نمی‌توانیم از آن بهره‌برداری کنیم. بیایید به فعالیت بپردازیم و از این سرزمین حاصل خیز استفاده کنیم. اگر ۲۴ ساعته هم در این زمینه کار کنیم، باز هم وقت کم می‌آوریم. الان افکار عمومی مردم اروپا، آمریکا، امریکای لاتین، و همین منطقه خودمان آماده شنیدن سخنان حق شمامست. باید از این فرصت استفاده کنید. وقت این رسیده که در چند پاراگراف کل فلسفه انقلاب اسلامی را برای تمام مردم جهان بگویید. الان وقت آن است که دفاع مقدس را به مردم جهان معرفی کنید؛ چون الان می‌فهمند و می‌پذیرند.

چرا سرعت اثبات حق و رسوایی منافقین بالا رفته است؟

- فضای تاریخ واقعاً عوض شده است و شاید یکی از معانی «پیچ تاریخی» همین باشد. یعنی دیگر تاریخ مثل گذشته‌ها به نفع ظالمان، تا مدتهای طولانی ورق نخواهد خورد. اما سؤال این است که چرا فضا این‌طور شده است؟ چرا سرعت اثبات حقانیت و روشن شدن حق و منکوب شدن باطل و رسوایی منافقین بالا رفته است؟
- در پاسخ به این سؤال نمی‌توانیم به همین سادگی بگوییم: خداوند تصمیم گرفته است روش خود را تغییر دهد! چون خداوند با یک‌سری قواعد کار می‌کند و جهان را طبق یک سنت‌هایی اداره می‌کند. همچنین در پاسخ به این سؤال نمی‌توانیم صرفاً خوب بودن رهبران خودمان را مطرح کنیم، چون در تاریخ اسلام، غربت و مظلومیت رهبران بزرگی مثل امیرالمؤمنین (ع) و اباعبدالله (ع) را دیده‌ایم و الان رهبران ما خودشان را شاگردان مکتب امیرالمؤمنین (ع) و اباعبدالله (ع) می‌دانند.
- قطعاً یک اتفاقی در عالم افتاده است که این سرعت بالا رفته است؛ کانون مرکزی این اتفاق «ولایت‌مداری» است. ولایت‌مداری مردمی که مقاومتشان هم مرهون این ولایت‌مداری بود که درس آموز ملت‌ها شدند.

تفاوت فضای امروز با گذشته تاریخ، رشد ولایتمداری است

- تفاوت بسیار مهم فضای کنونی نسبت به گذشته تاریخ اسلام، رشد ولایتمداری در میان مومنان است. در صدر اسلام، ولی خدا بوده است ولی ولایتمدارانی که پای امر او بایستند نبوده‌اند. ولایتمداری در زمان ما تازه یک‌مقداری رخ نشان داده است؛ همین‌مقداری که الان می‌بینید و البته هنوز کامل نیست. حالا ببیند اگر این ولایتمداری کامل شود چه خواهد شد! «باش تا صبح دولتش بدمد؛ کاین هنوز از نتایج سحر است»
- قرآن، نماز، روزه و سایر بخش‌های دین، از قبل هم بوده است و این تفاوت ناشی از این بخش‌های دین نیست. این موضوع ولایتمداری است که توانسته است این‌قدر در تاریخ جهان تغییر و تحول ایجاد کند. و شما می‌دانید که امامت اصل و اساس اسلام است (امام رضا(ع): **إِنَّ الْإِمَامَةَ أَسُّ الْإِسْلَامِ النَّامِي وَفَرْعُهُ السَّامِي**؛ کافی/۲۰۰/۱)
- ولایتمداری یک قوم و حرمت‌گزاری برای امر ولایت آثار و برکات بیشماری در جهان به جای می‌گذارد، و محدود به همان منطقه باقی نمی‌ماند. اگر فتنه ۸۸ را از زاویه ولایتمداری نگاه کنید، می‌بینید که نه‌تنها شعار توهین به اصل ولایت فقیه و شخص ولایت فقیه در این مملکت نگرفت، بلکه یک خروشی در این مملکت در جهت تثبیت ولایتمداری ایجاد کرد و این نور ولایتمداری باعث شد که نصرت خدا به دنبال بیاید. شما یک فتنه‌ای که علیه نظام ولایی بود را پشت سر گذاشتید، خدا تمام جهان را به نفع شما تغییر داد؛ یعنی آثار و برکاتش فقط در همین منطقه خودمان هم باقی نماند. ولایتمدارانی که در همین یک‌سال اخیر در منطقه ظهور کرده‌اند را نگاه کنید. تقریباً در تمام خاورمیانه در یک‌سال اخیر، آمار ولایتمداران نسبت به سال‌های گذشته چند برابر شده است. این ولایتمداران هم با یک احترام خاصی از مقام ولایت سخن می‌گویند، ببینید نور این ولایتمداری در جهان چه خواهد کرد! این یک واقعیت در عالم است هرچند در محاسبات بعضی‌ها نمی‌آید.

توسعه ولایتمداری در چیست؟ / ولایتمداری در تبعیت از ولی زمان خلاصه نمی‌شود؛ رکن دوم ولایتمداری «ارتباط ولایتمداران با یکدیگر» است

- سؤال این است که الان ما در قبال این مسأله باید چکار کنیم؟ طبیعتاً باید این ولایتمداری را توسعه دهیم، اما توسعه ولایتمداری در چیست؟ ولایتمداری در تبعیت از ولی زمان خلاصه نمی‌شود؛ البته رکن اول ولایتمداری تبعیت توأم با بصیرت و اقبال دل‌ها نسبت به جایگاه ولی زمان و اقتناع اندیشه‌هاست. اما رکن دوم ولایتمداری «ارتباط ولایتمداران و مؤمنین با یکدیگر» است. کمالینکه خداوند می‌فرماید: **«مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ»** (فتح/۲۹) در این جا «رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» به همین مسأله اشاره دارد.
- شخصی نزد امام محمد باقر(ع) آمد و گفت: شما قیام کنید؛ ما تعداد زیادی هستیم که آماده‌ایم از شما تبعیت کنیم. حضرت فرمودند: آیا این‌گونه هست که یکی از شما بدون اجازه به سراغ کیف پول (جیب) برادر دینی‌اش برود و به مقدار نیازش پول بردارد؟ عرض کرد: خیر. حضرت فرمود: یاران قائم ما این‌گونه هستند که به سراغ کیف پول برادرشان می‌روند و به مقدار نیاز از آن برمی‌دارند و برادرشان هم مانع نمی‌شود (قیل لابی جعفر(ع): **إِنَّ أَصْحَابَنَا بِالْكَوْفَةِ لَجَمَاعَةٌ كَثِيرَةٌ فَلَوْ أَمَرْتَهُمْ لَأَطَاعُوكَ وَ أَتَّبَعُوكَ قَالَ: يَجِيءُ أَحَدُكُمْ إِلَى كَيْسٍ أَخِيهِ فَيَأْخُذُ مِنْهُ حَاجَتَهُ؟ فَقَالَ: لَا... إِذَا قَامَ الْقَائِمُ جَاءَتِ الْمَرْأَمَةُ وَ أَتَى الرَّجُلُ إِلَى كَيْسٍ أَخِيهِ فَيَأْخُذُ حَاجَتَهُ فَلَا يَمْنَعُهُ** اختصاص شیخ مفید/ص ۲۴) یعنی ممکن است شما از امام خودتان تبعیت کنید ولی رابطه شما با همدیگر هنوز در حد مطلوب و ایده‌آل نیست. شما ببینید آیا ما به این جا رسیده‌ایم که انتظار داریم امام زمان(ع) تشریف بیاورد؟!

نحوه برخورد شما با سایر مؤمنین، در واقع استمرار ولایتمداری شماست/ ارتباط خوب مؤمنین با یکدیگر حتی با ضعفای از مومنین دلیل صداقت در ولایتمداری است

- این ارتباط مؤمنین با یکدیگر در کجا باید درست شود؟ طبیعتاً باید در میدان کار و تلاش و فعالیت درست شود. اگر همه شما بیکار باشید و فعالیت نکنید، هیچ وقت با هم اختلاف پیدا نخواهید کرد! مهم این است که در جریان کار و فعالیت، خودتان را بسنجید و آفت‌ها و آسیب‌ها، خودشان را نشان دهند.
- مسأله ولایتمداری فقط در ارادت نسبت به مقام معظم رهبری خلاصه نمی‌شود. هر یک از شما باید ببیند که نسبت به مؤمنین ضعیفی که رفیق شما هستند یا در اطراف شما هستند، چگونه برخورد می‌کند؟ این استمرار ولایتمداری است. ارتباط خوب مومنین با یکدیگر حتی با ضعفای از مؤمنین دلیل صداقت انسان در ولایتمداری است.

فروتنی نسبت به مؤمنین، ویژگی مهم قوم مقدمه‌ساز ظهور است

- خداوند می‌فرماید: «ای مؤمنین! اگر پای دین خودتان خوب نایستید، خداوند یک قوم دیگری را خواهد آورد که آنها را دوست دارد و آنها نیز خدا را دوست دارند، آنها نسبت به سایر مؤمنین فروتن هستند و...؛ یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ لَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ» (مائده/۵۴) این آیه درباره مؤمنینی است که مژده ظهور آنها در آخرالزمان داده شده است. پیامبر(ص) فرمود که این آیه درباره یاران صاحب‌الزمان(ع) نازل شده است و وقتی از پیامبر(ص) پرسیدند آنها از کدام قوم هستند ایشان به ایرانی‌ها(قوم سلمان فارسی) اشاره فرمود(نزلت فی القائم و أصحابه الذین یجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ لَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ... سئل عن هذه الآية ف ضرب بيده على عاتق سلمان فقال هذا و ذوه؛ تفسير نورالثقلین/۱/۶۴۱)
- در این آیه، بعد از اینکه ویژگی محبت بین خدا و این قوم را بیان فرموده، بلافاصله ویژگی بعدی این قوم را بیان می‌فرماید و آن ویژگی این است که «نسبت به دیگر مؤمنین فروتن هستند» و بعد از آن، ویژگی‌های بعدی این قوم را بیان می‌فرماید. جالب این جاست که آیه بعد از این آیه نیز آیه ولایت امیرالمؤمنین(ع) است(إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِينَ ءَامَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ؛ مائده/۵۵) و در آیه بعد هم می‌فرماید: «سرانجام غلبه با حزب خداست؛ فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ»(مائده/۵۶)

چرا بعضی حزب‌اللهی‌ها زیاد رفیق ندارند و هم‌افزایی نمی‌کنند؟/ تعامل خوب و سازنده مؤمنین با یکدیگر استمرار ولایتمداری است

- چرا بعضی حزب‌اللهی‌ها زیاد رفیق ندارند؟ بعضی‌ها آن قدر گوشت‌تلخ هستند که نمی‌شود به آنها نزدیک شد! بعضی‌ها ساز خودشان را می‌زنند و با همدیگر هم‌افزایی نمی‌کنند. به تیم‌های همدیگر کمک نمی‌کنند، به رونق گرفتن بیشتر هیات‌های همدیگر کمک نمی‌کنند. مثلاً گروهی که دعای ندبه می‌گیرند، به گروهی که دعای توسل می‌گیرند کمک نمی‌کنند. یا مثلاً کسانی که در زمینه قرآن کار می‌کنند به کسانی که در زمینه مهدویت کار می‌کنند، کمک نمی‌کنند.
- وجود این هم‌افزایی و این تعامل خوب و سازنده در بین مؤمنین، ادامه و استمرار ولایتمداری است. اگر کسی اهل تعامل بسیار خوب و سازنده با مؤمنین بود، این نشانه ولایتمداری اوست. کما اینکه امروز آن قدر حق واضح و آشکار شده است که اگر کسی مرگ بر

اسرائیل بگوید، دیگر هنر نکرده است. کسی هم که به فقط به ولیّ ارادت داشته باشد، دیگر هنر نکرده است؛ باید دید آیا اهل تعامل خوب با ولایتمداران و دیگر مردمان هست یا نه؟

رابطه سازنده بین ولایتمداران نور و معنویت فوق‌العاده‌ای ایجاد می‌کند که همه عالم را تحت تأثیر قرار

می‌دهد

- استمرار ولایت‌پذیری و ولایتمداری در تعامل و رابطه خوب در بین ولایتمداران است. این رابطه، نور و معنویت فوق‌العاده‌ای ایجاد می‌کند و تشعشعات این نور و معنویت، همه عالم را تحت تأثیر قرار خواهد داد.
- خداوند در آیه آخر سوره آل عمران می‌فرماید: «ای مؤمنین، صبر کنید(تک‌تک شما باید صابر باشید) و با هم صبر و مقاومت کنید، و هم‌افزایی کنید؛ یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَ صَابِرُوا وَ رَابِعُوا»(آل عمران/۲۰۰) ما فکر می‌کنیم اگر تک تک مردم صابر باشند، یک جامعه صابر خواهیم داشت در حالی که این کافی نیست، بلکه علاوه بر اینکه هر یک از ما باید صابر باشیم، باید «با هم صبر کنیم». یعنی زندگی فردی خوب فایده ندارد، زندگی جمعی خوب لازم است.
- در این آیه «رابطوا» یعنی هم‌افزایی کنید. بالاخره خداوند به هر کسی یک توانایی‌ها و استعدادهایی داده است که مؤمنین باید این‌ها را به اشتراک بگذارند، یعنی نیروهای خودشان را روی هم جمع کنند. البته این نیاز به از خودگذشتگی دارد، چون در این میان امتیازات شخصی شما حذف می‌شود و ممکن است شما دیده نشوید. اگر یک حزب‌اللهی در این جهت تلاش نکند که عرضه‌های خودش را در کارهای دیگران پنهان کند، حتماً دچار خودخواهی و کار ناخالص خواهد شد.
- یکی از اتفاقاتی که در جبهه‌های دفاع مقدس افتاده بود، ارتباط رزمندگان با همدیگر بود. بعید می‌دانم کسی توانسته باشد رفاقت و محبت شدید بین رزمندگان را برای دیگران ترسیم کند. البته در دفاع مقدس این محبت و ارتباط قوی بین هم‌رزمان طبیعی بود ولی ما الان هم باید بین خودمان همان فضا را ایجاد کنیم. این محبت شدید بین مؤمنین باید خودش را در ارتباط‌ها و در اتحادها نشان دهد. همین رفاقت‌ها شعاعی از نور را ایجاد می‌کند و دیگران را هم جلب می‌کند. این رفاقت‌ها، تواضع‌آفرین است و نشأت‌گرفته از بذر تواضع است و اگر نباشد، غرور و کبر و خودپسندی در چهره‌ها دیده خواهد شد.
- ولایتمداری اصحاب امام حسین(ع) در کربلا، در ارادتمند آنها به امام حسین(ع) خلاصه نمی‌شد. بلکه نقطه لطیف ولایتمداری آنها در این تجلی پیدا می‌کرد که اجازه ندهند حتی یکی از بچه‌های امام حسین(ع) و بنی‌هاشم قبل از شهادت آنها به میدان برود...

